



داکتر سیدعبدالله کاظم

5 اپریل 2016

«تروریستها میخوانند تمدن ما را برابند!»

نشست بورد هماهنگی و نظارت مشترک به منظور ارزیابی و بررسی تعهدات قبلی دوجانبه دولت افغانستان و جامعه جهانی دیروز 16 حمل 1395 (4 اپریل 2016) در کابل برگزار گردید. آقای اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان که در این اجلاس با حضور نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای کمک‌کننده به افغانستان صحبت می‌کرد، ضمن بحث روی مشکلات و دست‌آوردهای دولت در زمینه اجرای تعهداتش اشاره کرده گفت: «دشمن ما هیچ سرحدی را نمی‌شناسد و برعکس ما، آن‌ها از فعالیت‌های قبلی خود آموختند که اطلاعات و استخبارات خیلی مهم است؛ بنا ما باید کاری کنیم. دوم این که این‌ها می‌خوانند تمدن ما را برابند. یک اقلیت بسیار کوچک طوری جرات می‌یابد که به نمایندگی از 1.6 میلیارد مسلمان صحبت میکنند. اما هنوز هم اکثریت ما خاموش بوده‌ایم و در برابر ایشان سکوت اختیار کرده‌ایم. ما باید از این تمدن اسلام دفاع کنیم.»

اشرف غنی از تروریسم به‌عنوان تهدید جدید بین‌المللی یاد کرد و افزود که جنگ جاری در افغانستان یک منازعه داخلی نیست بلکه ابعاد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دارد. او تصریح کرد که در حال حاضر گروه تروریستی داعش تحت تمرکز جهان قرار گرفته است، اما شبکه تروریستی القاعده اکنون خود را پنهان کرده ولی در حال انسجام یافتن است که نباید این شبکه تروریستی را از نظر دور انداخت.

در ارتباط به بیانات رئیس جمهور غنی مقاله دلچسپی تحت عنوان "تروریست‌ها و ادعای نمایندگی از یک تمدن" بقلم محترم آقای بیژن امروز در روزنامه وزین هشت صبح به نشر رسیده است که خواستم آنرا به مطالعه علاقمندان مسائل روز در این پورتال فحیم برسانم. اینک اصل مقاله:

تروریست‌ها و ادعای نمایندگی از یک تمدن

بیژن - سه شنبه ۱۷ حمل ۱۳۹۵

رئیس‌جمهور غنی در سخنرانی دیروزش به نکته‌ای مهم اشاره کرد. آقای غنی آنچه را سکوت کشورهای مسلمان‌نشین در برابر تروریست‌ها خواند نکوهش کرد و گفت این امر به گروه‌های تروریستی جرات داده تا به نمایندگی از یک تمدن بزرگ حرف بزنند. در این تردیدی نیست که تروریست‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی همه خود را نمایندگان هویت تمدنی اسلام معرفی می‌کنند. آنان می‌گویند با هویت رقیب که همانا تمدن غربی است، در حال نبرد اند. اما همان طوری که آقای غنی می‌گوید نه تنها دولت‌های کشورهای مسلمان‌نشین بلکه دانشگاه‌های معتبری مثل الازهر، زیتونه و دیوبند نیز در برابر داعش،

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

القاعده، طالبان و حزب التحریر ساکت‌اند. این نهادها افکار و باورهای سیاسی و دینی گروه‌های باورمند به ترور را به صورت جدی نقد نکرده‌اند.

تا حال دیده نشده است که از نشانی دانشگاه‌های معتبری چون الازهر، زیتونه و دیوبند، منشورهایی که گروه‌های تروریستی برای جذب نیرو منتشر می‌کنند، نقد شود. شاید برخی از مدرسان این نهادها در نقد افکار گروه‌های تروریستی قلم‌فرسایی کرده باشند، اما از نشانی این نهادها هیچ‌گاه نقدهای مفصل به جریان‌های تروریستی وارد نشده است. مجموع مفتی‌های عربستانی هم در مورد خلافت‌خواهی داعش و امارت‌طلبی‌های طالبان و القاعده تا حال سکوت اختیار کرده‌اند.

تا حال کسی نتوانسته است به این سوال پاسخ قانع‌کننده پیدا کند که چرا مثلا الازهر، دیوبند و زیتونه در برابر خلافت‌خواهی و امارت‌طلبی و روش‌هایی که برای برپایی این خلافت و امارت از سوی برخی از گروه‌ها اختیار شده، سکوت کرده‌اند. این مراجع در برابر انفجار پیکره‌های عظیم بودا توسط طالبان نیز سکوت کردند. یکی از عالمان دینی مشهور خاورمیانه در روزهایی که رهبر طالبان حکم نابودی مجسمه‌های بودای بامیان را صادر کرده بود، به قندهار سفر کرد تا با ملا محمدعمر صحبت کند. روایت مشهور این است که این عالم دینی خاورمیانه به ملا محمدعمر گفت «مصحلت ایجاب نمی‌کند» که مجسمه‌های بودا ویران شود. روشن است که این استدلال ضعیف ملا محمدعمر را در موقعیت دشوار قرار نداد. تا حال الازهر، زیتونه و دیوبند، تخریب آثار باستانی را حرام نکرده‌اند. اگر آنان در زمان طالبان تخریب آثار باستانی افغانستان را حرام اعلام می‌کردند، امروز ابوبکر البغدادی جرات نمی‌کرد، پالمیرا را ویران کند.

گروه‌های تروریستی تنها به نام هویت تمدنی اسلام با غرب نمی‌جنگند. این گروه‌ها جنگ داخلی را در درون همین هویت تمدنی اسلام نیز راه انداخته‌اند. این گروه‌ها صوفی‌ها، فیلسوفان، مذاهب فقهی گوناگون و نواندیشان دینی را هم جزو «امت» حساب نمی‌کنند و فرمان قتل‌شان را صادر کرده‌اند. دود آتش این جنگ داخلی در درون هویت تمدنی اسلام، چشم همه دنیا را کور کرده است. جالب این است که دولت‌های حاکم بر کشورهای مسلمان‌نشین هم، از این گروه‌های تروریستی ابزاری برای سیاست خارجی و امنیتی خود ساخته‌اند. این چیزی است که حالا همه در مورد آن می‌دانند. عربستان، ایران، پاکستان و ترکیه هر کدام گروه‌های خشونت‌طلب را در کشورهای مختلف حمایت می‌کنند تا با هم بجنگند. برای عربستان مثلا خطر گروه «حوثی» جدی‌تر از خطر القاعده و گروه تروریستی داعش است. جنگ عربستان در یمن سبب تقویت القاعده است، اما ریاض به این امر اصلا توجهی ندارد. ترکیه هم برای مقابله با دشمنانش از تقویت گروه‌های تروریستی ابایی ندارد.

اگر الازهر، زیتونه و دیوبند، به صراحت علیه خلافت‌خواهی و امارت‌طلبی موضع بگیرند و نظام دولت - ملت را به نحوی تایید کنند و مشروعیت جنگ برای برپایی مثلا خلافت و امارت را زیر سوال ببرند، گروه‌های تروریستی با مشکلات جدی روبه‌رو می‌شوند و دیگر نمی‌توانند به سادگی جوانان مسلمان را مجذوب افکار خود سازند. اگر همکاری نظامی عربستان و قطر با امریکا، اشکال شرعی ندارد، چنین همکاری میان افغانستان و امریکا هم باید اشکال نداشته باشد. اگر چنین است، چرا مجموع عالمان دینی عربستانی، مصری، تونسی و هندی-پاکستانی، علیه جنگ طالبان امارتی در افغانستان صدا بلند نمی‌کنند.

اگر نظام دولت - ملت مشروعیت شرعی دارد و اشکالی ندارد، چرا الازهر، دیوبند و زیتونه، علیه گروه‌هایی مثل داعش و القاعده صدا بلند نمی‌کنند. چرا مرام خلافت‌خواهی آنان را نکوهش نمی‌کنند. برای این سوال‌ها هیچ کسی پاسخ روشن ندارد.

(پایان مقاله)

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ